

کریدور ترامپ
تهدید یا فرصت؟

سونا سجادی

کارشناس ارشد
حقوق تجارت بین‌الملل

حاکمیت مطلق کشورها بر تمام خاک خود است و هیچ کشور دیگری بدون رضایت صریح امکان تصرف یا به کنترل گرفتن بخشی از آن کشور را ندارد و نمی‌تواند کریدوری عبوری ایجاد کند(یکی از مواردی که بین این دو کشور مناقشه ایجاد کرده است تفسیرهای متفاوت از بند ۹ توافقنامه ۲۰۲۰ است) پیرو همین اصل برای این کریدور نیاز به یک توافق دوجانبه _چندجانبه است که با توافقنامه بین ارمنستان و آذربایجان این امر اتفاق افتاد، اما ایرادی که مطرح می‌شود مشخص نبودن نقش ایران در این توافق است. ایران به عنوان کشوری دینفع و هم‌مرز با این کریدور بایستی به عنوان یکی از طرفین یا شرکای این کریدور باشد.

با استناد به کنوانسیون ۱۹۶۵ ایران حق عبور ترانزیتی در این کریدور را دارد و کشورهای طرف توافق، امکان حذف ایران را ندارند. به دلیل امضای توافق بین این دو کشور نمی‌توان رعایت اصل (ممنوعیت تهدید به زور نسبت به ارمنستان) را صحت‌سنجی کرد اما در صورت بروز خطر و یا نقض حقوق ایران می‌توان در مراجع بین‌المللی طرح بحث چربی عدم اطلاع و رضایت ایران متناسب به نقش منطقه‌ای در این توافق را مطرح کرد. چراکه این موضوع طبق حقوق بین‌الملل مستلزم رضایت ایران است، زیرا وضعیت مرزی کشور تغییر کرده و آثار راهبردی، امنیتی و اقتصادی برای آن ایجاد می‌شود. اهمیت این کریدور از منظر ایران:

▲ احتمال تأثیر منفی بر نقش حیاتی ایران در ترانزیت منطقه‌ای

▲ احتمال وقوع تغییرات نگران‌کننده در مرزهای شمالی ایران. این کریدور تأثیر مستقیم بر معادلات ترانزیتی و امنیت مرزهای شمالی دارد.

▲ تأثیر بر روابط بین ایران و ارمنستان برای ایجاد تعادل و توازن در منطقه بین کشورهای همسایه.

در قواعد بین‌الملل ما اصلی داریم به نام اصل ثبات مرزها که طبق تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد. طبق این اصل تغییر خودسرانه مرزهای بین‌المللی پذیرفته نیست به همین جهت نگرانی در زمینه دست‌درازی کشور دیگری به مرزهای ما وجود ندارد. ایران می‌تواند از این کریدور برای خود فرصت‌هایی ایجاد کند. برای مثال ایران می‌تواند خود را به عنوان یک مسیر جانبی و ادامه روند ترانزیت مطرح کند. استحکام تعامل مثبت با همسایگان و نقش محوری ایران در صلح و ثبات منطقه‌ای مانند تأمین امنیت مسیر و فرصت برای مشارکت در پروژه‌های عمرانی و تجاری مرتبط با کریدور و همچنین فرصتی است برای گسترش مسیر ترانزیتی. اما اینها نگرانی اصلی نیست بلکه باید سیاستی اتخاذ کرد تا کریدور رن‌گروز به کریدور ترکستان تبدیل نشود و کشور ارمنستان هم باید به این امر واقف باشد که مهم‌ترین و حتی می‌توان گفت تنها مرز خارجی حیاتی آن کشور در صورت بحران ایران خواهد بود. به نظر می‌رسد ایران مواضع خود را به درستی اعلام کرده و با سیاست نرم در جهت در کنترل گرفتن موقعیت پیش می‌رود.

در این راستا چند راهکار حقوقی پیشنهاد می‌شود:

- ۱ ایجاد اجماع منطقه‌ای با کشورهای همسو برای مقابله با تهدیدات مرزی
- ۲ استناد به اصول منشور ملل متحد در محافل بین‌المللی
- ۳ توسعه و تقویت مسیرهای جایگزین ترانزیتی
- ۴ تقویت حضور دیپلماتیک در نهادهایی چون سازمان شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

۵ تمرکز بر ظرفیت دیوان بین‌المللی دادگستری و حفظ آماده‌سازی در صورت تغییرات احتمالی مرزی در صورت عدم رضایت ایران در مجموع اگر این کریدور به شیوه‌ای اجرا شود که حقوق ارمنستان و ایران نادیده و زیر پا گذاشته شود به‌خصوص در مورد حذف نقش ترانزیتی ایران و امنیت مرزهای سرزمینی (به دلیل مسیر راه‌آهنی که در کریدور هست)، می‌تواند آغاز یک بحران منطقه‌ای بسیار طولانی و پرهزینه برای همه طرفین شود و موازنه قدرت را در قفقاز جنوبی تغییر دهد. اما اگر درست اجرا شود و ایران هم بتواند قراردادهای تجاری و توافقی در مسیری جایگزین را برای خود به دست آورد می‌تواند با وجود شرایط حال حاضر برای ماتیدیل به یک فرصت شود.

دیپلماسی

DIPLOMACY



عکس: Getty Images

ماموریت غیرممکن

آیا انتخاب علی لاریجانی باعث تحرکی در مذاکرات ایران و غرب می‌شود؟



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

نیمه مرداد زمانی که خبر رسمی انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی منتشر شد، گمانه‌زنی‌ها در مورد تحول اساسی در رویکرد سیاست خارجی کشور، به‌خصوص در شرایط ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه و قرار گرفتن در آستانه فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط سه کشور اروپایی عضو برجام، افزایش یافت. نام لاریجانی، از نخستین روزهای پیروزی مسعود پزشکیان، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ به عنوان گزینه‌ای برای انتصاب به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی مطرح شده بود. بسیاری اعتقاد داشتند با انتخاب یک رئیس‌جمهور جدید که با شعار گفت‌وگو و تعامل با جهان خارج انتخاب شده است، ورود فردی به شورای عالی امنیت ملی که هوادار مذاکرات و توافق باشد، می‌تواند به توفیق این فرآیند کمک کند. نام علی لاریجانی به دلیل سابقه دوساله‌اش بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران و همکاری او در مقام رئیس مجلس شورای اسلامی با تصویب فوری برجام، باعث شده بود این تصور ایجاد شود که لاریجانی می‌تواند به عنوان یک نیروی موثر در اجرای برنامه‌های دولت چهاردهم برای تعامل و توافق با غرب تلقی شود. با این حال در ماه‌های نخست ریاست‌جمهوری پزشکیان مشخص شد که قرار نیست تحولی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی رخ دهد.

به نظر می‌رسد تحولات ماه‌های اخیر خاورمیانه و جنگ ۱۲ روزه باعث شد که نیاز به تغییرهایی در نهادهای امنیتی و سیاست‌گذار احساس شود. تشکیل شورای دفاع کشور و انتصاب لاریجانی به مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی

بخشی از این تغییرات بود. بلافاصله پس از اعلام این خبر، بسیاری از تحلیل‌گران حوزه سیاسی و سیاست خارجی، این تغییر را به منزله آغاز تحولی اساسی در رویکرد سیاست خارجی کشور به‌خصوص در حوزه پرونده هسته‌ای و مذاکرات با غرب ارزیابی کردند. با این حال با گذشت دو هفته از انتصاب علی لاریجانی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، شواهد چندان‌ای از تغییر و تحول اساسی در رویکرد سیاست خارجی به‌ویژه در حوزه مذاکرات هسته‌ای وجود ندارد.

نصرت‌الله تاجیک، سفیر پیشین ایران در اردن به «هم‌میهن» می‌گوید: «هیچ قرینه‌ای از شکل گرفتن تحولی جدی در سیاست خارجی کشور وجود ندارد. آنقدر سیستم صلب و غیرمنعطف شده است و در عین حال شرایط را پویسیدگی و فساد اداری و دیوان در هم تنیده شده است که اگر هم اراده‌ی فردی برای تغییر وجود داشته‌باشد، بعید می‌دانم سیستم با آن همراهی کند.»



نصرت‌الله تاجیک

سفیر پیشین ایران در اردن:

مشخص نشد در این شرایط ویژه سیاست خارجی کشور، سفر عراق و لبنان چه منطقی داشت. حتی اگر این سفرها از قبل برنامه‌ریزی شده بود هم باید مطالعه می‌شد که آیا در شرایط فعلی، ضرورتی برای انجام به موقع آنها وجود دارد یا نه

▼ **محافظه کار عمل‌گرا**
علی لاریجانی، در دهه ۱۳۷۰ به عنوان ویتترین فرهنگی محافظه‌کاران شناخته می‌شد. عملکرد او در ریاست سازمان صداوسیما با انتقادهای بسیاری از سوی جریان‌های اصلاح‌طلب مواجه شد. بلافاصله پس از صداوسیما، لاریجانی به شورای عالی امنیت ملی رفت تا مسئولیت مهم‌ترین پرونده سیاست خارجی کشور را بر عهده بگیرد. مذاکرات هسته‌ای میان ایران و غرب که از سال ۱۳۸۲ آغاز شده بود، در دوران دولت اصلاحات به حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی سپرده شده بود. پس از انتخابات ۱۳۸۴ و روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، این مسئولیت همچنان در اختیار دبیر شورا باقی ماند و نزدیک به یک ماه بعد از انتخابات، علی لاریجانی به عنوان مسئول دبیرخانه و مذاکرات معرفی شد. مذاکرات دوساله علی لاریجانی با طرف‌های اروپایی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با فراز و فرودهای بسیار مواجه شد.

بخش اعظم دوران مذاکرات او به رایزنی با آژانس برای تعیین ساز و کار همکاری‌های ایران و آژانس که به مدالیته مشهور شد گذشت و همچنین مذاکرات او با خاویر سولانا، کمیسر وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز در مورد پرونده هسته‌ای ادامه یافت. لاریجانی در آن دوران منتقد جدی مذاکرات سلف خود حسن روحانی بود و معتقد بود که روحانی در مذاکرات «در غلطان داده است و آب‌نبات چوبی گرفته است.»
صدور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران در همین دوران آغاز شد و لاریجانی در طول دو سال مذاکرات خود چهار قطعنامه تحریمی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد دریافت کرد. نخستین قطعنامه مرداد ۱۳۸۵، یک سال بعد از آغاز مذاکرات علی لاریجانی صادر شد. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «تا شب قطعنامه ۱۶۹۶، آقای لاریجانی فکر می‌کردند روسیه و چین این قطعنامه را ووتو می‌کنند.» روسیه و چین، نه تنها در قطعنامه نخست حاضر به حمایت از ایران نشدند، بلکه در ۵ قطعنامه دیگری نیز که علیه ایران در شورای امنیت صادر شد، از ایران حمایت نکردند. تا جایی که لاریجانی سال ۱۳۸۹ در مقام رئیس مجلس گفت: «فکر می‌کنم رفتار چین و روسیه در قبال قطعنامه شورای امنیت پسندیده نیست، به نفع خود آنها هم نیست.»

نهایتاً لاریجانی نتوانست در مقام مذاکره‌کننده به کار خود ادامه دهد و به گفته خود او اختلاف‌هایی که با رئیس‌جمهور وقت داشت، باعث استعفای او از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی شد که باعث شد سعید جلیلی، مخالف جدی تعامل با غرب به عنوان جانشین او در دبیرخانه مستقر شود. لاریجانی بعدها در خرداد ۹۲ در مصاحبه‌ای با مهر به صورت واضح‌تر دلیل استعفای خود را بیان کرده بود: «من حس می‌کردم یک نوع اختلاف جدی مدیریتی با آقای احمدی‌نژاد داشتم. تا یک مدتی قابل تحمل بود و بحث می‌کردیم اما از یک زمانی به بعد من دیدم به هر حال ایشان رئیس‌جمهور است و حق دارد و لزومی ندارد که بنده مزاحم ایشان باشم و نمی‌خواستم حضوری تحمیلی داشته باشم. در واقع سطح من این نبود.»

لاریجانی کمتر از یک سال بعد در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرد و نتوانست از حوزه انتخابیه قم به مجلس راه پیدا کند و بلافاصله به ریاست مجلس انتخاب شد. در مجلس نهم او باز هم به ریاست مجلس انتخاب شد. این مجلس با تغییر دولت و آغاز به کار حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور همزمان شد. سال ۱۳۹۴ پس از انعقاد برجام، علی لاریجانی سرسختانه در مقابل بررسی توافق در مجلس شورای اسلامی مقاومت کرد و با مدیریت جلسات بررسی برجام، شوق شد این توافق را بدون پیشنهاد اصلاحی در مدت کوتاهی به تصویب برساند. در مجلس دهم، لاریجانی نامزد محافظه‌کاران برای ریاست مجلس بود تا از ریاست محمدرضا عارف، نماینده اصلاح‌طلب و رئیس فراکسیون امید جلوگیری کنند.

▼ **آیا لاریجانی نسبت به گذشته تغییر کرده است**

لاریجانی تقریباً ۲۰ سال پس از دوره نخست ریاست خود بر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، به این مقام بازگشته است. اما به اعتقاد بسیاری از فعالان سیاسی، رویکرد لاریجانی نسبت به گذشته تغییر اساسی کرده است. لاریجانی که روزگاری ویتترین محافظه‌کاران در حوزه فرهنگ محسوب می‌شد، از سال ۱۴۰۰ مغضوب بخشی از دستگاه حکمرانی شد. شورای نگهبان، لاریجانی را با سابقه سه دوره ریاست قوه مقننه و دبیری شورای عالی امنیت ملی در انتخابات ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ ردصلاحیت کرد. به نظر می‌رسد که ردصلاحیت لاریجانی، انتقام همراهی او با تصویب برجام است. حالا لاریجانی که در گذشته به عنوان رقیبی برای اصلاح‌طلبان محسوب می‌شد، به یکی از گزینه‌های محتمل آنها برای

بی‌تصمیمی بدتر از ارسال سیگنال ضعف

سابق، بر همان طبل سابق می‌کوبد و پرهزینه‌ترین و بلندترین صدای رسانه‌ای داخل کشور را وقف تخریب هر الگوی دیگری می‌کند؟ بقیه تریبون‌های ریزودرشت از جنس صداوسیما چرا همچنان روی همان هوای سابق حرف می‌زنند؟

دبیری و عضویت در شورای عالی امنیت ملی و ریاست صداوسیما، سمت‌های انتخابی هم نیستند که بشود تنوع در ترکیب‌شان را نمودی از «حضور تفکرات مختلف» قلمداد کرد؛ بلکه این‌ها سمت‌های انتصابی هستند، در اختیار کسانی که حتی در سطح راهبردی هم تناسبی با هم ندارند. در این میان، سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه هم مثل چند ماه پیش از جنگ، نه تکلیفش را با خودش روشن می‌کند نه با مردم و نه با خارجی‌ها. چند نفر دیگری هم که سمت‌های مختلف مربوط و نامربوط به سیاست خارجی را دارند، هر کدام به گمانی در راه یقینی افتاده‌اند و در دستگاه خودشان ساز می‌زنند. برونداد این ترکیب، تصویری است نه از ابهام راهبردی که از بی‌تصمیمی. ایران می‌خواهد با آمریکا مذاکره کند یا نمی‌خواهد؟ می‌خواهد بر سر غنی‌سازی امتیاز دهد یا نمی‌خواهد؟ می‌خواهد با آژانس تعامل کند یا می‌خواهد از آن‌پی‌تی خارج شود

نهایت افتاد، منحصر به بازگشت علی لاریجانی به جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی بود و تشکیل شورای دفاع. شورای دفاع که کارکرد مشخصی دارد و معنای تشکیل آن بیش از این که سیاسی باشد، اجرایی است؛ اما آمدن لاریجانی را بسیاری به عنوان نشانه تغییر روند در مسیر سیاست خارجی و امنیتی خواندند و حتی برخی با نوعی اغراق درباره شخصیت او، آمدنش را با تعبیری مثل «بازگشت عقلانیت» جشن گرفتند؛ اما اگر چنین است، چرا این تغییر با هیچ اتفاق دیگری همراه نشده؟ اگر بناسست رویکردی به سمت تعامل و مذاکره در سیاست خارجی پیش گرفته شود، چطور همزمان با حضور کسی مثل لاریجانی، فردی مثل سعید جلیلی همزمان در همان نهاد ماندگار است؟ آیا متولی رویکردی که بنا بود تغییر کند، علی‌اکبر احمدیان بود که حالا با رفتنش و آمدن لاریجانی عقلانیت آمده؟ اگر رویکردی که در مقابل لاریجانی با پرچم «پایداری» توصیف می‌شود، بناسست تغییر کند، چرا همه منصوبان و نزدیکان این رویکرد همچنان سر جای خود در سمت‌های انتصابی هستند و با همان روند هم عمل می‌کنند؟ اگر تصمیمی گرفته شده تا روندی در پیش گرفته شود، چرا نهادی مثل صداوسیما همچنان با مدیریت



روح‌اله نخعی

روزنامه‌نگار گروه دیپلماسی

کسی نمی‌داند ایران می‌خواهد چه کار کند. «ایران» البته وقتی صحبت از معادلات بین‌المللی است، طبعاً اشاره به حاکمیت و به طور مشخص، سیاست خارجی ایران دارد؛ در نتیجه این گزاره به افکار عمومی و اکثریت قریب به اتفاق نخبگان و اهالی رسانه هم تعمیم می‌یابد. از زمانی که جنگ با آتش بس غیررسمی متوقف شده، داخل و خارج از کشور، بسیاری مترصد نشانه‌ای بوده‌اند که بفهمند برنامه ایران در قبال پرونده هسته‌ای، تقابل با اسرائیل، مذاکره با آمریکا یا اروپا و به‌طور کلی رسیدگی به چالش‌های خارجی چیست و فعلاً هیچ نشانه‌ای تکلیف را قطعی نکرده است. این در مجموع سودی هم برای ایران ندارد و بلکه فضا را برای تحمیل انواع آسیب‌ها آماده می‌کند.

بعد از چند هفته سروسدا و صحبت از «تغییر»، اتفاقی که در

نگاه
روزنامه‌نگار